

[ادامه مسأله 43 (مراتب ستر عورت) 1](#_Toc12466397)

[جهت سوم (حکم عدم امکان ستر عورت) 1](#_Toc12466398)

[وجه قول مشهور به نظر مرحوم خویی 2](#_Toc12466399)

[حکم خاص راجع به نماز جماعت عریانی 7](#_Toc12466400)

[مناقشه در کلام مرحوم خویی 8](#_Toc12466401)

[جواب مرحوم خویی از مناقشه 9](#_Toc12466402)

[اشکال در جواب مرحوم خویی 9](#_Toc12466403)

**موضوع**: شرط ششم (از حریر محض نبودن) /شرائط لباس مصلی /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مسأله 43 بود و حکم ستر با برگ درخت و ستر بالعرض و فرض عدم امکان ستر بیان شد.

# ادامه مسأله 43 (مراتب ستر عورت)

إذا لم يجد المصلي ساترا‌ حتى ورق الأشجار و‌ الحشيش فإن وجد الطين أو الوحل أو الماء الكدر أو حفرة ينج فيها و يتستر بها أو نحو ذلك مما يحصل به ستر العورة صلى صلاة المختار قائما مع الركوع و السجود و إن لم يجد ما يستر به العورة أصلا فإن أمن من الناظر بأن لم يكن هناك ناظر أصلا أو كان و كان أعمى أو في ظلمة أو علم بعدم نظره أصلا أو كان ممن لا يحرم نظره إليه كزوجته أو أمته فالأحوط تكرار الصلاة بأن يصلي صلاة المختار تارة و مومئا للركوع و السجود أخرى قائما و إن لم يأمن من الناظر المحترم صلى جالسا و ينحني للركوع و السجود بمقدار لا يبدو عورته و إن لم يمكن فيومئ برأسه و إلا فبعينيه و يجعل الانحناء أو الإيماء للسجود أزيد من الركوع و يرفع ما يسجد عليه و يضع جبهته عليه و في صورة القيام يجعل يده على قبله على الأحوط‌

## جهت سوم (حکم عدم امکان ستر عورت)

**بحث راجع به کیفیت نماز شخص عاری است**: مشهور بیان کردند اگر أمن از ناظر محترم دارد ایستاده با اشاره به رکوع و سجود نماز بخواند و اگر أمن از ناظر محترم ندارد نشسته و با ایمای به رکوع و سجود نماز بخواند.

### وجه قول مشهور به نظر مرحوم خویی

**مرحوم خویی فرموده اند**: دلیل قول مشهور این است که روایات در مقام سه طائفه اند؛

**1-مفاد طائفه أول لزوم قیام در نماز عریان، است:**

وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قُطِعَ عَلَيْهِ أَوْ غَرِقَ مَتَاعُهُ فَبَقِيَ عُرْيَاناً وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ كَيْفَ يُصَلِّي قَالَ إِنْ أَصَابَ حَشِيشاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَتَمَّ صَلَاتَهُ بِرُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ إِنْ لَمْ يُصِبْ شَيْئاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَوْمَأَ وَ هُوَ قَائِمٌ‌[[1]](#footnote-1)

شیخ در تهذیب به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب چنین نقل می کند: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ الْبُوفَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ صَلَّوْا جَمَاعَةً فِي سَفِينَةٍ أَيْنَ يَقُومُ الْإِمَامُ وَ إِنْ كَانَ مَعَهُمْ نِسَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُونَ أَ قِيَاماً يُصَلُّونَ أَمْ جُلُوساً قَالَ يُصَلُّونَ قِيَاماً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى الْقِيَامِ صَلَّوْا جُلُوساً هُمْ وَ يَقُومُ الْإِمَامُ أَمَامَهُمْ وَ النِّسَاءُ خَلْفَهُمْ وَ إِنْ ضَاقَتِ السَّفِينَةُ قَعَدْنَ النِّسَاءُ وَ صَلَّى الرِّجَالُ وَ لَا بَأْسَ أَنْ تَكُونَ النِّسَاءُ بِحِيَالِهِمْ‌ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قُطِعَ عَلَيْهِ أَوْ غَرِقَ مَتَاعُهُ فَبَقِيَ عُرْيَاناً وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ كَيْفَ يُصَلِّي قَالَ إِنْ أَصَابَ حَشِيشاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَتَمَّ صَلَاتَهُ بِالرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ لَمْ يُصِبْ شَيْئاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَوْمَى وَ هُوَ قَائِمٌ.[[2]](#footnote-2)

سند روایت مشتمل بر محمد بن أحمد علوی است؛ شیخ طوسی در تهذیب در جلد 2 صفحه 365 سند را با سقط این واسطه بیان کرده اند [مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ الْبُوفَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ قُطِعَ عَلَيْهِ أَوْ غَرِقَ مَتَاعُهُ فَبَقِيَ عُرْيَاناً وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ كَيْفَ يُصَلِّي قَالَ إِنْ أَصَابَ حَشِيشاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَتَمَّ صَلَاتَهُ بِالرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ لَمْ يُصِبْ شَيْئاً يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ أَوْمَأَ وَ هُوَ قَائِمٌ] که قطعاً اشتباه شده است و صحیح همانی است که در جلد 3 بیان شده است که از أشباه و نظائر این مطلب استفاده می شود.

و محمد بن أحمد علوی توثیق ندارد ولی گفته ایم چون این روایت در وسائل و بحار از کتاب علی بن جعفر نقل شده است و صاحب وسائل و صاحب بحار به کتاب علی بن جعفر سند صحیح دارند؛

ما همان طور که آقای زنجانی و آقای سیستانی دارند سند را تیمّنی و تبرّکی می دانیم یعنی یک اجازه تشریفاتی بوده است که به صاحب وسائل و صاحب بحار، راجع به تمام کتب روایات داده بودند و خود صاحب وسائل کتب را تهیه کرده است و به اتقان نسخه وثوق پیدا کرده است و سند به نسخه نداشته است و لکن همین که نقل شیخ طوسی به نقل صاحب وسائل و نقل صاحب بحار از کتاب علی بن جعفر ضمیمه می شود انسان وثوق پیدا می کند که این حدیث در این کتاب وجود داشته است.

بزرگانی مثل مرحوم خویی و مرحوم استاد می فرمایند ظاهر سند وسائل و بحار به کتاب علی بن جعفر این است که سند حسی به کتاب است؛ طبق این مبنا سند صاحب وسائل و صاحب بحار معتبر خواهد بود.

عمده طائفه أولی این روایت است که تعبیر «أومأ و هو قائم» دارد؛ بله شیخ طوسی در تهذیب جلد 1 صفحه 405 و در استبصار جلد 1 صفحه 168 از محمد بن علی بن محبوب از أحمد از حسین از حسن از سماعه نقل می کند و سند موثق است:

أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ فَأَجْنَبَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا ثَوْبٌ فَأَجْنَبَ فِيهِ وَ لَيْسَ يَجِدُ الْمَاءَ قَالَ يَتَيَمَّمُ وَ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَائِماً يُومِئُ إِيمَاءً.[[3]](#footnote-3) در این روایت هم تعبیر «قائما» دارد.

و لکن موثقه سماعه در کافی به شکل دیگری نقل شده است:

[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا ثَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَجْنَبَ فِيهِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يَتَيَمَّمُ- وَ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَاعِداً يُومِئُ إِيمَاءً[[4]](#footnote-4)]

و شیخ طوسی در تهذیب همین متن را به همین شکل از کافی نقل می کند:

مَا رَوَاهُ- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا ثَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَجْنَبَ فِيهِ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يَتَيَمَّمُ وَ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَاعِداً وَ يُومِئُ.[[5]](#footnote-5) در سند أحمد بن محمد بن عیسی است.

بین نقل کلینی و نقل شیخ از کتاب محمد بن علی بن محبوب تعارض می شود: کلینی «قاعداً» نقل کرده است ولی شیخ از کتاب محمد بن علی بن محبوب همین روایت را به صورت «قائماً» نقل کرده است و چون احتمال تعدّد روایت نیست تعارض می شود و دیگر نمی توان به موثقه سماعه استدلال کرد و تنها دلیل بر لزوم قیام صحیحه علی بن جعفر خواهد بود.

و توجّه شود که شیخ طوسی اشتباه نقل نکرده است و وقتی از کافی نقل می کند همان تعبیر «قاعدا» را دارد ولی چون سند مستقل دیگری به روایت داشته است آن را نیز نقل کرده است که تعبیر «قائماً» داشته است و شاید اختلاف نسخه بوده است به این خاطر که «قائما» و «قاعداً» در خط کوفی شبیه هم نوشته می شده است.

روایت دیگر صحیحه عبدالله بن سنان است که تعبیر «یصلی قائماً» دارد:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ لَيْسَ مَعَهُ إِلَّا سَرَاوِيلُ قَالَ يَحُلُّ التِّكَّةَ مِنْهُ فَيَطْرَحُهَا عَلَى عَاتِقِهِ وَ يُصَلِّي وَ قَالَ وَ إِنْ كَانَ مَعَهُ سَيْفٌ وَ لَيْسَ مَعَهُ ثَوْبٌ فَلْيَتَقَلَّدِ السَّيْفَ وَ يُصَلِّي قَائِماً.[[6]](#footnote-6)

ضمیر به تکّه رجوع می کند و ظاهرش این است که تکه و بند سروال را به جای قمیص و رداء روی عاتق خود می اندازد: طبق این فرض، شخص مذکور عریان نیست و سروال دارد و لکن رداء ندارد که سروال را شبیه رداء قرار می دهد. در ادامه بیان می کند که اگر ثوب ندارد و سیف دارد آن سیف را به خود آویزان کند و ایستاده نماز بخواند. استظهار می شود که ذیل روایت راجع به نماز عریانی است.

ولی آقای سیستانی فرموده اند متن روایت مضطرب بوده و وثوق به این متن حاصل نمی شود زیرا ابتدا سائل فرض کرد که این شخص سروال دارد و عریان نیست ولی در ادامه استفاده می شود که عریان است و ظاهر «یصلی قائما» این است که نماز عریان را بیان می کند یعنی جواب با نماز عریان تناسب دارد یعنی سؤال از نماز عریان نبود ولی در جواب حکم نماز عریان هم بیان شد.

عرض ما این است که: در روایت دو فرض مطرح شده است و یک فرض «لیس مع إلا سراویل» است و فرض دیگر «معه سیف و لیس معه ثوب» می باشد و البته آقای سیستانی وثوق شخصی به خبر را در حجّیت شرط می دانند و لذا بحث با ایشان تأثیری در نظرشان نخواهد داشت ولی به نظر ما، خبر ثقه ولو مفید وثوق نباشد حجّت است و وثوق به خطای روایت پیدا نمی کنیم و به هر حال مهم در طائفه أول صحیحه علی بن جعفر است.

**2-طائفه دوم بر لزوم نماز عریانی به صورت نشسته است که عمده اش صحیحه زراره است:**

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع رَجُلٌ خَرَجَ مِنْ سَفِينَةٍ عُرْيَاناً- أَوْ سُلِبَ ثِيَابُهُ وَ لَمْ يَجِدْ شَيْئاً يُصَلِّي فِيهِ- فَقَالَ يُصَلِّي إِيمَاءً- وَ إِنْ كَانَتِ امْرَأَةً جَعَلَتْ يَدَهَا عَلَى فَرْجِهَا- وَ إِنْ كَانَ رَجُلًا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى سَوْأَتِهِ ثُمَّ يَجْلِسَانِ فَيُومِئَانِ إِيمَاءً وَ لَا يَسْجُدَانِ- وَ لَا يَرْكَعَانِ فَيَبْدُوَ مَا خَلْفَهُمَا تَكُونُ صَلَاتُهُمَا إِيمَاءً بِرُءُوسِهِمَا- قَالَ وَ إِنْ كَانَا فِي مَاءٍ أَوْ بَحْرٍ لُجِّيٍّ لَمْ يَسْجُدَا عَلَيْهِ- وَ مَوْضُوعٌ عَنْهُمَا التَّوَجُّهُ فِيهِ يُومِيَانِ فِي ذَلِكَ إِيمَاءً- رَفْعُهُمَا تَوَجُّهٌ وَ وَضْعُهُمَا.[[7]](#footnote-7)

در روایت أمر کرد که نماز عریان نشسته است: «ثمّ یجلسان»، و «ثمّ» در روایت برای ترتیب ذکری است یعنی أول بدانید که وظیفه شما این است که ستر عورت کنید و بعد هم نماز شما به این کیفیّت است و«یصلی ایماء ثم یجلسان» نمی خواهد بگوید که وسط نماز و مثلاً در حال سجود، باید شخص بنشیند زیرا در ادامه می گوید «و لایسجدان و لایرکعان» و لذا «ثم یجلسان» به این معنا است که تمام نماز نشسته است و برای رکوع و سجود ایماء انجام می دهند یعنی ابتدا «یصلی ایماء» وظیفه اجمالی را بیان می کند و تفصیلش این است که ستر عورت می کند و می نشیند و رکوع و سجود ایمائی انجام می دهد.

و این که کسی بگوید ابتدا نماز را ایستاده شروع می کند و بعد برای رکوع و سجود می نشیند و ایماء به رکوع و سجود می کند فقیه و حتّی متفقّهی بیان نکرده است و صحیح هم نیست زیرا معنای روایت این نیست که «یبدءان الصلاة ثم یجلسان بعد اکمال القراءه». و به هر حال صحیحه علی بن جعفر که تعبیر «أومأ و هو قائم» داشت با تعبیر «ثم یجلسان» منافات دارد.

در روایت محمد بن عبدالحمید چنین دارد:

فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ وَ هُوَ بِالْفَلَاةِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا ثَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَصَابَ ثَوْبَهُ مَنِيٌّ قَالَ يَتَيَمَّمُ وَ يَطْرَحُ ثَوْبَهُ وَ يَجْلِسُ مُجْتَمِعاً فَيُصَلِّي فَيُومِئُ إِيمَاءً.[[8]](#footnote-8) «یجلس مجتمعا» یعنی به گونه ای بنشیند که با فخذین خود عورت را بپوشاند (عانه جزء عورت نیست) اگر با فخذین خود بتواند عورت خود را ستر کند کافی است ولی اگر نتواند دست خود را نیز باید قرار دهد. و لکن سند روایت به خاطر محمد بن عبدالحمید ضعیف است و وثاقت او ثابت نشده است، علاوه بر این که این روایت معارض دارد و معارض آن روایات کثیره ای است که به نماز در ثوب نجس أمر می کرد. و لذا عمده در طائفه دوم هم صحیحه زراره است.

**3-طائفه ثالثه بین وجود ناظر محترم و عدم وجود ناظر محترم، تفصیل داده اند:**

عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَخْرُجُ عُرْيَاناً فَتُدْرِكُهُ الصَّلَاةُ قَالَ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَائِماً إِنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ فَإِنْ رَآهُ أَحَدٌ صَلَّى جَالِساً.[[9]](#footnote-9) و «یخرج عریانا» یعنی مثلاً از دریا عریان خارج می شود و لباس ندارد نه این که از خانه خودش عریان خارج می شود.

نکته: فعلاً بحث قیام است و بحث ایماء در صحیحه علی بن جعفر بیان شده است «أومأ و هو قائم».

این روایت مرسله است و برخی گفته اند روایت، مرسله ابن مسکان است و عبدالله بن مسکان از أصحاب اجماع است که در رجال کشی این گونه فرموده است: «أجمعت الاصابه علی تصحیح ما یصح عنهم و تصدیقهم فیما یقولون» و معنای «تصحیح ما یصح عنهم» این است که آنچه به سند صحیح از أصحاب اجماع نقل شود اصابه و طائفه امامیه آن را صحیح می دانند و دیگر واسطه بین أصحاب اجماع و امام علیه السلام بررسی نمی شود یعنی اگر به سند صحیح از این ها به ما برسد مطلقاً صحیح خواهد بود.

این مبنا صحیح نیست و معنای عبارت کشی اجماع بر وثاقت و فقاهت این هجده نفر است یعنی از حیث این هجده نفر صحیح است و شاهد آن این است که در مورد طائفه اولی که أصحاب امام باقر علیه السلام بودند تعبیر «تصحیح ما یصح عنهم» نیامده است و تنها تعبیر «أجمعت الاصابه علی تصدیقهم فیما یقولون و أقروا لهم بالعلم و الفقه» آمده است و در طائفه ثانیه و ثالثه تعبیر «تصحیح ما یصح عنهم» آمده است و در طائفه ثانیه و ثالثه هم فرموده «من دون ذلک» یعنی بعد از طائفه أولی نوبت به این دو طائفه می رسد و لذا بحث در رابطه با اجماع بر وثاقت و فقاهت است، نه این که اگر سند صحیح به این هجده نفر رسید دیگر اگر بعد از این ها، شخصی کذّاب وضّاع هم بود، مهم نیست و این مطلب خلاف ظاهر عبارت کشی است.

ولی روایت سند دیگری نیز دارد که در محاسن برقی از پدرش از ابن أبی عمیر نقل می کند:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي رَجُلٍ عُرْيَانٍ لَيْسَ مَعَهُ ثَوْبٌ قَالَ إِذَا كَانَ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ فَلْيُصَلِّ قَائِماً‌[[10]](#footnote-10) اگر أمن از ناظر محترم دارد ایستاده نماز بخواند و مفهومش این است که اگر أمن از ناظر محترم ندارد نشسته نماز بخواند.

این طائفه ثالثه شاهد جمع بین طائفه أول و دوم می شود و طائفه أول که تعبیر «أومأ و هو قائم» دارد فرض أمن از ناظر محترم خواهد بود و طائفه دوم هم فرض عدم أمن از ناظر محترم خواهد بود.

**مرحوم خویی فرموده اند: با این بیان، وجه مذهب مشهور مشخص شد.**

**و موثقه سماعه تعارض داخلی دارد**: کلینی «یصلی قاعداً مومیا» و شیخ طوسی از محمد بن علی بن محبوب «یصلی قائما مومیا» نقل کرده است و نقل سماعه ثابت نمی شود و بر فرض بگوییم مثل دو حدیث متعارض اند مشکلی پیش نمی آید و طائفه ثالثه شاهد جمع خواهد بود یعنی اگر بگوییم نقل کلینی نسبت به موثقه سماعه که «یصلی قاعداً» دارد هم با نقل شیخ «یصلی قائما» معارض است و هم با صحیحه علی بن جعفر «أومأ و هو قائم» معارض است؛ در این صورت طائفه ثالثه شاهد جمع می شود و نقل کلینی «یصلی قاعداً»، بر فرض وجود ناظر محترم و صحیحه علی بن جعفر را «أومأ و هو قائم» بر فرض أمن از ناظر محترم حمل می کنیم.

**این مطالب خلاصه فرمایش مرحوم خویی بود و در ادامه می فرمایند:** چه در حال جلوس و چه در حال قیام، وظیفه ایمای به رکوع و سجود است و مفاد روایات این بود «أوما و هو قائم، یجلسان و یومئان ایماء و لایجلسان و لایرکعان»، و این که در مرسله أیوب بن نوح آمده است: عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي‌ عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَارِي الَّذِي لَيْسَ لَهُ ثَوْبٌ إِذَا وَجَدَ حُفْرَةً دَخَلَهَا وَ يَسْجُدُ فِيهَا وَ يَرْكَعُ.[[11]](#footnote-11) سند آن ضعیف است و به آن عمل نمی کنیم.

### حکم خاص راجع به نماز جماعت عریانی

و بحث ما راجع به نماز فرادا است و لذا با مفاد دو روایت صحیح السند که در مورد نماز جماعت است نباید خلط شود؛

صحیحه عبدالله بن سنان: الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ صَلَّوْا جَمَاعَةً وَ هُمْ عُرَاةٌ قَالَ يَتَقَدَّمُهُمُ الْإِمَامُ بِرُكْبَتَيْهِ وَ يُصَلِّي بِهِمْ جُلُوساً وَ هُوَ جَالِسٌ.[[12]](#footnote-12)

و در معتبره اسحاق بن عمار راجع به این مفاد، توضیح بیشتری داده است:

سَعْدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْمٌ قُطِعَ عَلَيْهِمُ الطَّرِيقُ فَأُخِذَتْ ثِيَابُهُمْ فَبَقُوا عُرَاةً وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَقَالَ يَتَقَدَّمُهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَجْلِسُ وَ يَجْلِسُونَ خَلْفَهُ فَيُومِئُ إِيمَاءً بِالرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ هُمْ يَرْكَعُونَ وَ يَسْجُدُونَ خَلْفَهُ عَلَى وُجُوهِهِمْ[[13]](#footnote-13): امام جماعت با رکبتین خود مقدم می شود و می نشیند و یک صف هم پشت سر امام تشکیل می شود و نماز امام جماعت ایمائی است و در حالت نشسته در حالی که مواظب است کشف عورت نشود برای رکوع و سجود اشاره می کند، ولی صف مأمومین که یک صف بیشتر نیستند در همان حالت جلوس با حفظ شؤونات، رکوع و سجود اختیاری انجام می دهند.

**مرحوم خویی فرموده اند**: این که صف مأمومین نماز نشسته با رکوع و سجود اختیاری انجام می دهند به خاطر روایت است و در مورد جماعت است و چه بسا اگر قرار بود این ها به صورت فرادا نماز بخوانند نشسته و با ایماء نماز بخوانند این حکم مختص به جماعت است. و چون مأمومین یک صف تشکیل می دهند و پشت سر آن ها هم کسی نیست در خصوص نماز جماعت فرموده اند رکوع و سجود اختیاری انجام می دهند و این حکم مختص نماز جماعت است و وجهی ندارد بگوییم فرقی بین نماز جماعت و فرادا نیست و این روایت تعبّدی خاص در مورد نماز جماعت است و جزم به عدم خصوصیت نداریم.

#### مناقشه در کلام مرحوم خویی

**اشکال فرمایش مرحوم خویی این است که**: یونس بن عبدالرحمن شاگرد عبدالله بن مسکان، راجع به استاد خود کلامی دارد: کشی از محمد بن مسعود عیّاشی صاحب تفسیر عیّاشی از محمد بن نصیر کشیّ، که شیخ طوسی توثیقش کرده است، از محمد بن عیس بن عبید یقطینی از یونس بن عبدالرحمن نقل می کند:

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ، قَالَ، لَمْ يَسْمَعْ حَرِيزُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَّا‌ حَدِيثاً أَوْ حَدِيثَيْنِ، وَ كَذَلِكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْكَانَ لَمْ يَسْمَعْ إِلَّا حَدِيثَهُ: مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ، وَ كَانَ مِنْ أَرْوَى أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، وَ كَانَ أَصْحَابُنَا يَقُولُونَ: مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ، فَحَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، وَ أَحْسَبُهُ أَنَّهُ رَوَاهُ لَهُ: مَنْ أَدْرَكَهُ قَبْلَ الزَّوَالِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ وَ زَعَمَ يُونُسُ أَنَّ ابْنَ مُسْكَانَ سَرَّحَ بِمَسَائِلَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَسْأَلُهُ عَنْهَا وَ أَجَابَهُ عَلَيْهَا، مِنْ ذَلِكَ مَا خَرَجَ إِلَيْهِ مَعَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ. كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنْ خَصِيٍّ دَلَّسَ نَفْسَهُ عَلَى امْرَأَةٍ قَالَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا وَ يُوجَعُ ظَهْرُهُ، وَ ذَاكَ أَنَّ ابْنَ مُسْكَانَ كَانَ رَجُلًا مُوسِراً وَ كَانَ يَتَلَقَّى أَصْحَابَهُ إِذَا قَدِمُوا فَيَأْخُذُ مَا عِنْدَهُمْ. وَ زَعَمَ أَبُو النَّضْرِ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ: أَنَّ ابْنَ مُسْكَانَ كَانَ لَا يَدْخُلُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) شَفَقَةَ أَلَّا يُوَفِّيَهُ حَقَّ إِجْلَالِهِ، فَكَانَ يَسْمَعُ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ يَأْبَى أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْهِ إِجْلَالًا وَ إِعْظَاماً لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ).[[14]](#footnote-14)

عبدالله بن مسکان (که طائفه ثالثه از روایات و شاهد جمع بین دو طائفه با روایت او ثابت شد) تنها یک حدیث، مستقیم از امام صادق علیه السلام شنیده است؛ حال چگونه این شخص از امام باقر علیه السلام مستقیم و بدون ارسال حدیث نقل می کند؟!! یعنی وقتی عبدالله بن مسکان از أصحاب امام کاظم علیه السلام است و نجاشی در حق او می گوید «قیل إنه روی عن أبی عبدالله علیه السلام و لیس بثبت» یعنی ثابت نیست که از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده است، با این وصف چگونه می توان قبول کرد که بدون واسطه از امام باقر علیه السلام روایت نقل کرده است.

آقای سیستانی این اشکال را پذیرفته و حدیث را مرسل دانسته اند و لذا اعتبار ندارد ولو ظاهر آن این است که عبدالله بن مسکان از أبی جعفر نقل می کند.

##### جواب مرحوم خویی از مناقشه

و لکن مرحوم خویی فرموده است روایت مشکلی ندارد و طبقه ابن مسکان قابلیت این را دارد که از امام باقر علیه السلام روایت نقل کند زیرا در زمان امام کاظم علیه السلام فوت کرده است و فوت امام کاظم علیه السلام سال 183 هجری بوده است و امام باقر علیه السلام سال 114 فوت کرده اند یعنی حدود هفتاد سال فاصله است و لذا امکان دارد که عبدالله بن مسکان هشتاد ساله عمر کرده باشد و در سن ده سالگی امام باقر علیه السلام را درک کرده باشد. و لذا امکانش وجود دارد و عبدالله بن مسکان هم از أصحاب اجماع است و خودش گفته که از أبی جعفر علیه السلام روایت نقل می کند. و یونس بن عبدالرحمن هم گفته است که عبدالله بن مسکان تنها یک روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و لکن اشتباه کرده است و موارد زیادی وجود دارد که عبدالله بن مسکان بدون واسطه از امام صادق علیه السلام نقل حدیث می کند. و ما دو حدیث پیدا کردیم که عبدالله بن مسکان بدون واسطه از امام صادق علیه السلام روایت نقل می کند:

وَ- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ كَانَ عَلِيٌّ ع يَقُولُ لَوْ لَا مَا سَبَقَنِي إِلَيْهِ بُنَيُّ الْخَطَّابِ مَا زَنَى إِلَّا شَقِيٌّ.[[15]](#footnote-15)

و نیز در فقیه می گوید ابن مسکان از أبی جعفر علیه السلام حدیث نقل می کند [وَ رَوَى ابْنُ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ فَقَالَ اخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تُصَلُّوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ‌[[16]](#footnote-16)] و لذا سند به نظر مرحوم خویی معتبر است.

###### اشکال در جواب مرحوم خویی

در کافی حدیث أول را از ابن مسکان از عبدالله بن سلیمان نقل می کند و حدیث دوم را نیز از ابن مسکان از رجل از أبی جعفر علیه السلام نقل می کند و ظاهراً مرحوم خویی به کافی مراجعه نکرده اند.

1. [مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، علی بن جعفر العریضی، ج1، ص172.](http://lib.eshia.ir/27047/1/172/قطع%20علیه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص296.](http://lib.eshia.ir/10083/3/296/فبقی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص168.](http://lib.eshia.ir/11002/1/168/فلاة) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج3، ص486، أبواب النجاسات، باب46، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/3/486/عریانا) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص223.](http://lib.eshia.ir/10083/2/223/فلاة) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص366.](http://lib.eshia.ir/10083/2/366/عاتقه) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص449، أبواب لباس المصلی، باب50، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/449/التوجه) [↑](#footnote-ref-7)
8. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص168.](http://lib.eshia.ir/11002/1/168/یطرح) [↑](#footnote-ref-8)
9. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص365.](http://lib.eshia.ir/10083/2/365/فتدرکه) [↑](#footnote-ref-9)
10. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج2، ص372.](http://lib.eshia.ir/15101/2/372/فلیصل) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص365.](http://lib.eshia.ir/10083/2/365/العاری) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص365.](http://lib.eshia.ir/10083/2/365/عراة) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص365.](http://lib.eshia.ir/10083/2/365/فبقوا) [↑](#footnote-ref-13)
14. رجال الكشي، ص: 382 [↑](#footnote-ref-14)
15. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص250.](http://lib.eshia.ir/10083/7/250/سبقنی) [↑](#footnote-ref-15)
16. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص12.](http://lib.eshia.ir/11021/2/12/مسجدنا) [↑](#footnote-ref-16)